اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت یکصد و سی)

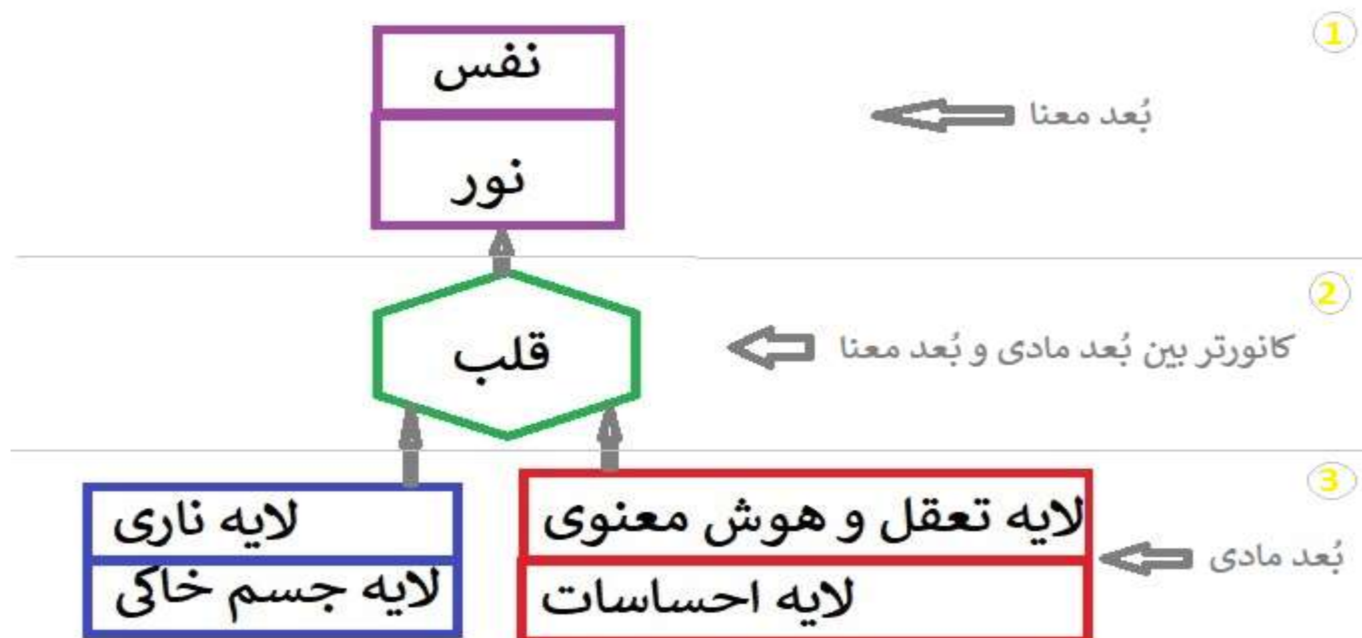
طهارت (بخش یک)

خیلی از ما از خود می پرسیم که :

- چرا نمی توانیم در نماز حواسمان را جمع کنیم؟
- چرا در نماز نمی توانیم فکرمان را جمع کنیم؟
- چرا نماز روی ما تاثیر ندارد؟
- مگر خدا نگفته نماز ما را از فحشا و منکر دور نگه میدارد، پس چرا دور نگه نمی دارد؟

جواب این سوالات مهم در قرآن داده شده است و خیلی واضح و قاطع بیان شده است. جواب آن است که نماز ما نماز نیست، روزه ما روزه نیست؛ ما قبل از انجام نماز، طهارت نداریم. خدای مهربان در مورد نماز می فرماید که ای مومنان هر وقت اراده کردید، نماز بجا آورید، ابتدا خود را پاک کنید. آیه وضو برای همین مورد است. اما متاسفانه اکثر افراد طهارت را بدرستی انجام نمیدهند و آن را ناقص انجام میدهند.

خدای قادر متعال میداند که راز سلامتی انسان در چیست. لایه جسم خاکی ما، لایه ناری ما، لایه احساس و لایه تعقل چهار لایه مادی هستند که هر انسانی آن را داراست.



طهارتی که خدا از آن صحبت می فرماید برای هر چهار لایه مادی است. یعنی هم عقل خود را باید پاک کنیم و هم احساسات خود را پاک کنیم و همچنین لایه ناری خود را پاک کنیم و در نهایت لایه جسمی خود را هم پاک کنیم. آنچه که اکنون بیشتر مسلمانان قبل از نماز انجام میدهند، تطهیر لایه جسمانی است و عموما به تطهیر لایه های دیگر توجهی نمیشود و هیچ آگاهیی از لزوم و اهمیت این موضوع ندارند. تمام کسانی که نماز به جا نمی آورند، در ظاهر هیچ دشمنیی با خدای عالمیان ندارند. اما آنها در واقع بعد از مدتها اشتباه در انجام نماز و طهارت، به این نتیجه میرسند که نماز بی فایده است.

بطور مثال با مدیتیشن ، خیالپردازی و چاکرابازی، لایه ناری خود را آلوده می کنیم. لایه ناری مثل لایه جسمی، با فضولات خاکی کثیف نمیشود، بلکه از طریق مدیتیشن، خیالپردازی، چاکرابازی و غیره آلوده میشود. لایه احساس هم با احساسات مبهم و موهوم و آلفایی مثل آهنگهای آلفایی و مسائل عشق آلوده میشود. عقل و منطق ما هم با گزاره های غلط و سفسطه و طمع و حسادت و بخل آلوده میشود. به همین خاطر قبل از نماز، انجام طهارت برای هر چهار لایه مذکور لازم و ضروری است.

وقتی طهارت می گیریم، باید در هر چهار لایه مادی طهارت را در نظر بگیریم. همانطور که در مورد جسم خاکی خود، از خوراندن غذاهای کثیف دوری می کنیم، باید از خوراندن مدیتیشن، خیالپردازی، احساسات افراطی و منطق غلط به روان خود هم امساک کنیم.

طهارت باید هر چهار لایه را سبک کند. بنابراین کسی که قصد نماز دارد، ابتدا باید لایه های بالایی را تطهیر کند و در نهایت لایه جسمانی خود را تطهیر کند. ابتدا باید عقل و منطق خود را از سفسطه ها و بی منطقی ها دور کنیم و بعد احساسات خود را از آهنگها و فیلمهای توهمی دور کنیم. گاهی افراد تلویزیون و یا ماهواره نگاه میکنند و نمازشان را به زمان تبلیغ پیام بازرگانی می اندازند و با این کار ثابت میکنند که کوچکترین قیامی برای نماز انجام نمی دهند و نمی خواهند دست از احساسات جاری خود بکشند و میخواهند همچنان احساساتی که اکنون در آن فرورفته اند را ادامه دهند. این نماز اصلا نماز نیست و بهتر است اسم دیگری روی آن بگذارند و بی خودی خود را فریب ندهند که مثلا نماز بجا می آورند. نماز شامل قیام و رکوع و سجود است.

برای انجام نماز ابتدا باید قیام کنیم. نکته مهم این است که انجام طهارت در چهار لایه مذکور باعث دگرگونی و قیام در ما میشود و همچنین خشوع و خضوع باعث ایجاد رکوع و سجود در ما میشود. خشوع و خضوع یک حالت روانی و احساسی سالم است که در روان ما جریان می یابند و نماز ما ، احساسات درست را به روان ما تزریق میکند. ابراهیم را در جحیم می اندازند؛ اما عقل و احساسات ابراهیم سالم بود و در نتیجه جحیم نتوانست بر لایه جسمی او هم موثر باشد. وقتی عقل و احساسات ما سالم باشند، خدای مهربان خودش لایه جسمی و ناری ما را از انواع جحیمها حفظ میکند.

مواردی که گفته شد برای غسل هم صادق است. وقتی غسل می کنیم، باید هر چهار لایه را غسل کنیم. یعنی در حین غسل، ظاهرا بدن جسمی خود را می شوییم؛ در همان حال باید لایه ناری خود را از هم از انواع مدیتیشن، خیالپردازی و لایه عقل و احساس خود را از انواع سفسطه ها و احساسهای غلط و توهمی بشوییم.

ما در زندگی روزمره خود باید هر چیزی را به احساس تبدیل نکنیم و مقداری از بروز احساسات امساک کنیم و همچنین از چاکرابازی های ناخواسته دوری کنیم. بروز احساسات و هر چیز دیگری باید در موقع خود و زمان خود باشد. مثلا خیلی از مردم وقتی به یک مکان طبیعی میروند، مشغول فیلم و عکس برداری میشوند و در آن لحظه توجه نمی کنند و لذت نمی برند و احساسات خود را بروز نمی دهند و برای بعد می گذارند که تا بعد نگاه کنند و خیالپردازی کنند و احساسات خود را بروز دهند. کسب احساسات درست این است که هر چیزی باید در زمان خودش باشد.

حالا چیزی را در مورد آیه وضو عرض کنم که فوق العاده مهم است. وضو شامل دستوراتی است که خدای مهربان آن را در قرآن بیان فرموده است. اما هر کدام از مراحل وضو در قرآن، معانی فوق العاده ای دارد که راهنمای کل بشریت است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِن كُنتُمْ جُنبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِن كُنتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنكُمْ مِن الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِن حَرَجٍ وَلَكِن يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُون ﴿٦﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید چون به [عزم] نماز برخیزید صورت و دستهایتان را تا آرنج بشویید و سر و پاهای خودتان را تا برآمدگی پیشین [هر دو پا را کامل] مسح کنید و اگر جنب‌اید خود را پاك کنید [=غسل نمایید] و اگر بیمار یا در سفر بودید یا یکی از شما از قضای حاجت آمد یا با زنان نزدیکی کرده اید و آبی نیافتید پس با خاك پاك تیمم کنید و از آن به صورت و دستهایتان بکشید خدا نمی خواهد بر شما تنگ بگیرد لیکن می خواهد شما را پاك و نعمتش را بر شما تمام گرداند باشد که سپاس [او] بدارید (۶)

آیتمهای وضو: شستن صورت و دستها و مسح سر و پاها

اگر در حین نماز، فیلم و آهنگ را خاموش و یا صدای آن را کم نکنی، یعنی داری به فیلم و آهنگ توجه میکنی و این به آن معناست که وجه و توجه خود را نشسته ای. یعنی هنوز به چیزهای دیگری توجه دارید. وقتی خدا می فرماید که وجه خود را غسل

کنید یعنی توجهت را باید بشویید و مثلا نباید در حین نماز چیزی بخورید زیرا توجهت به مزه غذا جلب میشود. نباید فیلم نگاه کنید زیرا کسی که در حین نماز ، فیلم نگاه میکند و یا آهنگ گوش میدهد، در واقع توجهش را نشسته است. وجه در زبان عربی از توجه آمده هاست ؛ بنابراین شستن وجه که در آیه وضو آمده است، به معنای فقط شستن ظاهری صورت نیست و بلکه به معنای شستن تمام توجهات است. هر آنچه که توجهات ما را از نماز منحرف میکند، را باید شست (کنار گذاشت). نماز یک نوع تقطیع در امور روزمره است که از ایجاد آرتروز روانی و عقلی جلوگیری میکند. بنابراین نماز از خیلی بیماریهای روانی جلوگیری میکند و حتی آن را درمان میکند.

وسایل مسخره ای همچون رکعت شمار را نباید در نماز بکار برد. نباید تعداد رکعات در نماز را بوسیله رکعت شمار به یاد بیاورید. بلکه باید به توانایی هایی پایه ای خود تکیه کنید. حفظ مراحل انجام وضو که حفظ عدد یک تا چهار است جزو توانایی های اولیه هر انسانی است که نباید در این مورد به رکعت شمار و تسبیح پناه ببرید و از این وسایل من در آوردی استفاده کنید. به همین خاطر خدای حکیم می فرماید که پا را مسح کنید. همانطور که در درمان بیماری ایوب گفته شد، پا نشانگر توانایی های اولیه و بیس بدن ماست. خدای مهربان برای صورت و دست از فعل شستن استفاده فرموده است اما برای سر و پا از مسح استفاده فرموده است. پا نشانه توانایی های اولیه است. خدا بجای فعل شستن از مسح استفاده فرموده است، یعنی در نماز به توانایی های اولیه خود متکی باش و برای شمارش رکعتها از رکعت شمار و یا تسبیح

استفاده نکنید. زیرا حفظ عدد یک تا چهار جزو توانایی های اولیه و پایه ای هر انسانی است و کسی که نتواند عدد یک تا چهار را در کنترل ذهنی خود داشته باشد، وضعیت مناسبی از نظر حافظه ندارد و نمی تواند بر عبادتش متمرکز شود.

مسح معنایی بر خلاف شستن دارد. شستن یعنی از چیزی دست شستن و کنار گذاشتن آن. وقتی صورت و دستها را می شوییم ، یعنی توجهات (وجه) و تعلقات (دستها و ایدی و امکانات ثانویه) را کنار بگذاریم و بعد سراغ نماز برویم. اما در مسح باید کنار نگذاریم و در عوض به آن بچسبیم و آن توانایی ها را لمس کنیم. بنابراین مسح سر یعنی فکرمان را جمع کنیم و از مثلا رکعت شمار و تسبیح استفاده نکنیم تا توانایی ذهنی اولیه خود را از دست ندهیم. برای مسح پا هم باید به توانایی های اولیه و پایه ای بدن خویش برگردیم. مثلا از زیر پتو بیرون بیاییم و از سرماخوردن در حین وضو و نماز نترسیم و به توانایی های پایه ای خویش متکی شویم.

بنابراین معانی آیتمهای وضو در لایه های غیر جسمانی به صورت زیر است:

شستن صورت = شستن وجه = سلب توجهات از تلویزیون و تجارت و مطالعه و سایر کارها. باید در حین نماز، آهنگهای موسیقی را گوش نکنید. چیزهایی که در نماز توجهت را جلب می کند را باید بشویید بگذارید کنار. وقتی فضای مجازی نگاه می کنیم و به وبگردی مشغولیم؛ انواع استایلها و چهره ها را نگاه میکنیم، در این حالت خیلی از مواقع توجهات ما آلوده میشود و قطعا در این حالت طهارت باید تجدید شود. نیم ساعت وبگردی بی هدف، به اندازه ده ساعت خستگی به بار می آورد و این

خستگی شدید بخاطر کثیف شدن لایه های احساس و منطق ماست. حتی ممکن است که لایه جسمانی ما هنوز طهارت داشته باشد، اما طهارت برای نماز بعدی باید دوباره تجدید شود.

شستن دستها = دست شستن از ایدی و امکانات = کنار گذاشتن امکانات جانبی. خدا فرموده دستها را تا مرافق بشویید (إِلَى الْمَرَافِقِ) **که مرافق در بعد جسمانی به معنای آرنجهاست. اما در بعد معنوی به معنای چیزهایی است که معمولا همراه انسان است و انسان با آنها رفیق است. مثلا باید از زیر پتو یا رختخواب بیرون آمد. خدا نمی خواهد ما در طول روز با پتو و رختخواب رفیق شویم، زیرا اینها امکانات جانبی (ایدی) هستند. ایدی در عربی به معنای دستها، امکانات ثانویه و یدکی است. حتی بعضی چیزها مثل ساعت هم برای بعضی ها امکانات ثانویه است و آن را حین وضو از خود جدا میکنند و البته اینگونه موارد برای هر فردی شاید متفاوت باشد.**

مسح قسمتی از سر = از آنجا که حرف ب در اول بِرُءُوسِكُمْ **آمده است، یعنی مسح قسمتی از سر کافی است ولی برای پا حرف ب نیامده است و پس پاها باید کامل مسح شوند (زیر و روی پا باید مسح شوند).**

مسح پاها = مسح پا یعنی تواناییهای پایه ای را بکار بیندازیم و خودمان با پای خود قیام و رکوع و سجده کنیم. باید توانایی های اولیه و پایه ای بدن خویش را فعال کنیم.

بنابراین شستن و مسح دو معنای متفاوت و تا حدی متضاد دارند. شستن به معنای کنار گذاشتن و دست برداشتن از آن است و مسح برعکس شستن به معنای لمس دوباره آن است. مسلمانانی که در وضو پای خود را مسح نمی کنند، اشتباه میکنند و مفاهیم مهم مسح سر و پا را از دست میدهند.

حالا می توانیم به چند سوال مهم پاسخ دهیم. خیلی ها می پرسند که : چرا نمی توانیم در نماز حواسمان را جمع کنیم؟ چرا در نماز نمی توانیم فکرمان را جمع کنیم؟ چرا نماز روی ما تاثیر ندارد؟ مگر خدا نگفته نماز ما را از فحشا و منکر دور نگه میدارد، پس چرا دور نگه نمی دارد؟ و ...

این سوالات و هزاران سوال دیگر همگی یک جواب دارند. ما روزه، وضو، نمازمان را درست انجام نمی دهیم. وضوی ما باید چهار خاصیت مهم داشته باشد تا که نمازمان را بتوانیم درست بجا آوریم. خدای مهربان ما انسانها را تنها نگذاشته است و نخواهد گذاشت؛ اگر چه شیطان تا اینجا پر قدرت ظاهر شده است، ولی روشهای ساده ای که خدا فرموده است؛ تمام کیدهای بزرگ شیطان را خنثی میکند.

غسل به معنای شستن و دست کشیدن است. مسح به معنای برگشتن به توانایی های پایه ای و اولیه بدن. ایدی در قرآن به معنای دستها، امکانات، متعلقات و ابزارهای یدکی آمده است. ارجل هم به معنای پاها، توانایی های پایه ای و اولیه، توانایی های بیس و دفالت آمده است.

بنابراین چهار خاصیت مهم طهارت قبل از نماز:

۱. **حذف (غسل) توجهات و کنار گذاشتن تمام چیزهایی که توجه شما را از نماز غافل میکند.** (فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ)
۲. **دست شستن (غسل) از امکانات، متعلقات و ... و کنار گذاشتن آن** (وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ)
۳. **برگشتن (مسح) به حالت طبیعی و عادی مغزی** (وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ) **یعنی خیالپردازی ها و آمالها را کنار بگذارید و به حالت عادی مغزی برگردید.**
۴. **برگشتن (مسح) به حالت پایه ای و توانایی های اولیه بدن** (وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ).

بنابراین عدم تجدید وضو برای نماز بعدی مشروط به رعایت طهارت در تمام بطنهاست. مثلا بعد از خیالپردازی، باید برای نماز بعدی دوباره وضو بگیرید و عملیات غسل و مسح دوباره صورت گیرد زیرا خیالپردازی و توهمات نوعی آلودگی هستند که باید کنار گذاشته شوند. هر وقت حواست برای نماز جمع نشد و کسالی به نماز برخواستی، یعنی طهارت نداری و حداقل یکی از لایه های عقل، احساسات، ناری و یا جسمانی کثیف است و دوباره باید عملیات طهارت انجام دهید.

بعضی ها میگویند که:

هر جور نماز بخوانید، مفید است و اثر خودش را میگذارد و آنها در ادامه می گویند که در هر حالتی نماز خواندن بهتر از نماز نخواندن است!

این نظریه درست برخلاف فرموده خدا در قرآن است. غافل از آنکه خدای حکیم خودش در قرآن دستور داده است که در حالت سکاری نماز بجا نیاورید. این یعنی در حالتهایی که لایه های بالاتر از جسم (عقل- احساس- ناری) آلوده اند، حتی نزدیک نماز نشوید.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا غَفُورًا ﴿۴۳﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید در حال مستی به نماز نزدیك نشوید تا زمانی که بدانید چه می گویید و [نیز] در حال جنابت [وارد نماز نشوید] مگر اینکه راهگذر باشید تا غسل کنید و اگر بیمارید یا در سفرید یا یکی از شما از قضای حاجت آمد یا با زنان آمیزش کرده اید و آب نیافته اید پس بر خاکی پاك تیمم کنید و صورت و دستهایتان را مسح نمایید که خدا بخشنده و آمرزنده است (۴۳)

حالت سکاری دقیقا به حالتی گفته میشود که یکی از لایه های عقل و منطق و احساسات و ناری پاک نیست و به همین خاطر خدا دستور می فرماید که در آن حالت به نماز نزدیک نشوید. خدای حکیم نمی فرماید که نماز بجا نیاورید، بلکه یک مرحله بالاتر از بجا نیاوردن را بیان می فرماید. می فرماید که به نماز نزدیک نشوید. خدا بطور محدود و فقط چند بار از این فعل منفی (لَا تَقْرَبُوا) در قرآن استفاده فرموده است:

لَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ

لَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ

لَا تَقْرَبُوا الزِّنَا

لَا تَقْرَبُوا الصَّلَوةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى

سکارا محوطه خطر است. نماز نوعی حضور در محضر خدای متعال است و باید از انواع رجز و رجس دور باشیم. بسیار زشت است که احساسات و خیالات بر ما مسلط باشد و در آن حالت به حضور خدا برسیم. رجس یک نوع کثیفی عقلانی، احساسی، ناری و یا جسمی است که باید قبل از نماز خودمان را از اینها پاک کنیم. دین راه و روش زندگی است. هر کسی باید راه و روش خودش را از کتاب خدا بگیرد و لاغیر. بعضی ها در همان حالتی که خیالات و توهمات بر آنها غالب است ، نماز بجا می آورند و پیش خود فکر میکنند که بهتر است آبروی خود را حفظ کنیم تا دور و بریهایمان نگویند که نماز بجا نیاوردیم. اما خدا شدیدا در این مورد هشدار میدهد و میفرماید که نماز در حالت خیالات و توهمات و در حالاتی که لایه های بالایی طهارت ندارد، بسیار خطرناک است و انسان را دو دستی در اختیار شیاطین قرار میدهد. باطل کننده های طهارت در چهار لایه بصورت زیر است:

لایه های مادی	باطل کننده طهارت این لایه
لایه عقل و منطق	طمع – حسادت - کبر – عجب – ریا – قمار و ...
لایه شعور و احساسات	خشم – غضب – کینه – استرس – احساسات مصنوعی ناشی از آهنگهای آلفایی و فیلمهای توهمی و هیجانات کاذب و سایر لذتهای کاذب
لایه ناری	خیال پردازی – شعر خوانی - وحدت وجود – مدیتیشن – یوگا – کارما – ذهن مثبت – عشق – فنگ شوئی – ذن و ...
لایه جسم خاکی	قضای حاجت – ملامسه با زنان – جنب شدن

شیطان از نار خلق شده است. نار وجودی شیاطین، کثیف است و افراد با انجام مدیتیشن و یوگا، نار وجودی خویش را با نار شیاطین آلوده میکنند. ما انسانها خودمان یک نار وجودی در وجود خویشتن داریم و همین برای رتق و فتق امورمان کافی است. افراد در مدیتیشن، عشق و یوگا نارهای بیگانه به خود وصل میکنند و یا زمینه آن را فراهم میکنند و به این ترتیب طهارت ناری خود را از دست میدهند. طهارت یعنی برداشتن همه اینها. اگر توجه کرده باشید، کسانی که عاشق میشوند، بعد از مدتی نمازها را بطور کامل کنار می گذارند و این بخاطر تسلط نار بیگانه بر آنهاست. یا اینکه نماز را با حالت کسلی انجام میدهند. کسالت در انجام نماز، بخاطر آلودگی لایه های عقل، احساس و یا ناری است. این نوع نماز خواندن نیرنگ زدن به خداست. البته کسی که بخواهد به خدا نیرنگ بزند، نیرنگ به خودش بر میگردد (إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ).

إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٤٢﴾

منافقان با خدا نيرنگ می کنند و حال آنکه او با آنان نيرنگ خواهد کرد و چون به نماز ايستند با کسالت برخيزند با مردم ريا می کنند و خدا را جز اندکی ياد نمی کنند (١۴٢)

وقتی این آلودگیها و رجزها برداشته شود، آن وقت میتوان با عالم معنا وصل شد و در حضور خدای متعال ایستاد. همانطور که در آیه زیر در مورد مسلمانان جنگ بدر فرموده است. خدا بوسیله نزول باران، رجز و آلودگیهای آنان را پاک کرد. آن وقت امکان ارتباط با عالم معنا فراهم شد ((وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ**)).**

إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسَ أَمَنَةً مِنْهُ وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ ﴿١١﴾

[به یاد آورید] هنگامى را كه [خدا] خواب سبك آرامش بخشى كه از جانب او بود بر شما مسلط ساخت و از آسمان بارانى بر شما فرو ريزانيد تا شما را با آن پاك گرداند و وسوسه شيطان را از شما بزدايد و دلهايتان را محكم سازد و گامهايتان را بدان استوار دارد (١١)

در کل هدف نماز این است که در هیچ امری و هیچ کاری غرق نشوید. یک لامپ اگر همیشه و مداوم روشن باشد، میسوزد و باید تقطیعها و وقفه هایی در روشن بودن آن باشد. نماز هم چنین نقشی دارد و این زمانبندی را انجام میدهد. به همین خاطر خدا

می فرماید که نماز یک کتاب زماندار و تقطیع کننده زمانی است (إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا**).**

قرآن یک کتاب آخر الزمانی است. بیشتر کارکرد آیات قرآن از این به بعد خواهد بود. ما در این ۱۴۰۰ سال تابحال از ده درصد توانایی های قرآن هم استفاده نکرده ایم. نود درصد نکات قرآن از این به بعد کاربردی خواهند شد.

نماز یک نوع قیام است (اقیموا الصلوه) و آنقدر مهم است که قبل از انجام آن، باید برای این قیام خود را آماده کنیم. این قیام معناهای عمیقی دارد. یعنی یک نماز میتواند یک انقلاب در شما ایجاد کند. باید بعضی چیزها آب پاکی رویش بریزید و دست از آن بشویید و علیه آن برخیزید و بعد قیام کنید. این همان غسل وجه و ایدی است. اما در عوض باید به یک سری توانایی پایه ای در ذهن و پایمان برگردیم و این همان مسح سر و پا است.

در لایه های دیگر هم نوعی آب هست که ما آن را نمی بینیم. مثلا در لایه ناری آب هست مخصوص اجنه و شیاطین. همانطور که آیه ۱۶ سوره جن می فرماید:

وَأَنْ لَوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَاهُمْ مَاءً غَدَقًا ﴿۱۶﴾

و اگر در راه درست پایداری ورزند قطعا آب گوارایی بدیشان نوشانیم (۱۶)

وقتی شما از مدیتیشن و خیالپردازیها و عشق و ... دست بکشید، یعنی آن را با آب ناری شسته اید. برای شستن آلودگیهای ناری، نباید وارد محوطه شیاطین و اجنه شویم، بلکه با دست کشیدن از این نوع خیالات و مدیتیشنها، آن را شستشو داده ایم.

اکنون ربات نماز خوان هم ساخته اند و به این طریق تمام اهداف نماز را زیر سوال می برند. خدای مهربان دستور اقامه نماز فرموده است و همچنین دستور عدم نزدیکی به نماز در حالت سکاری فرموده است. وقتی آدمی در حالت سکاری است یعنی لایه های بالایی او (عقل- احساسات - ناری) طهارت ندارد؛ باید آنقدر جرات داشته باشد که به نماز نزدیک نشود و از حرف این و آن و دور و بریهای خود نترسد و در عوض برای طهارت چهار لایه خود اقدام کند. در حالت سکاری نماز خواندن، به نوعی مس کردن شیطان است. در آن حالت شیطان دستش به آدمی میرسد. یعنی در حالت سکاری نماز خواندن، ارتباط با خدا نیست و بلکه ارتباط با جای دیگری است و به همین خاطر خطرناک است و خط قرمز است. خدا خودش صراحتا دستور داده است که در آن حالت نماز نخوانید. مثل این است که کار کنید ولی شماره حساب یکی دیگر به کارفرما بدهید. وقتی در نگاه اول عاشق میشوید، یعنی در حالت سکاری هستید و طهارت خود را از دست داده اید. وقتی خیلی زود جوگیر میشوید و تحت تاثیر حرفها و کنایه های دیگران قرار می گیرید یعنی طهارت کافی ندارید و قضایا و معانی واقعی را درک نمی کنید.